



## درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۰/ خرداد/ ۱۴۰۰

موضوع کلی: مفاهیم

مصادف با: ۱۹ شوال ۱۴۴۲

موضوع جزئی: تنبیه چهارم - مقام دوم: تداخل مسببات - حق در مسئله - دو اشکال

و بررسی آنها

جلسه: ۱۱۲

سال دوازدهم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### مروری بر مباحث گذشته

در بحث از تداخل مسببات عرض کردیم به حسب مقام ثبوت شیخ انصاری قائل به امتناع تداخل مسببات شدند. اشکال این سخن بیان شد و معلوم شد که ثبوتاً مشکلی برای التزام به تداخل مسببات وجود ندارد. پس از آن ادله قول به تداخل و عدم تداخل را ذکر کردیم، هم دلیل کسانی که قائل به تداخل مسببات در صور سه گانه اخیر بودند و هم دلیل کسانی که قائل به عدم تداخل مسببات در این سه صورت بودند.

#### حق در مسئله

##### ۱. به حسب مقام ثبوت

حال ما باید قائل به تداخل شویم یا عدم تداخل؟ به نظر می‌رسد حق آن است که در مقام دوم یعنی بحث از تداخل مسببات باید قائل به عدم تداخل شویم. ضمن اینکه امکان قول به تداخل را می‌پذیریم اما بر اساس اثبات تکالیف متعدده و اینکه قائل شدیم در مقام اول به عدم تداخل اسباب قهراً اینجا نیز قائل به عدم تداخل شویم، بالاخره دلیلی که قائلین به عدم تداخل اینجا ذکر کردند قابل توجه است، ای نکه عرف در مواجهه با تکالیف متعدد قائل به این می‌شود که امتثال‌های متعدد نیز لازم است، مطلبی است که نمی‌شود به سادگی از آن عبور کرد. وقتی می‌گوییم تکالیف متعدد و مستقل هستند، (زیرا فرض این بود که جمله شرطیه ظهور در سببیت مستقله دارد و فرض این است که تکالیف متعدد ثابت شده است، چند تکلیف به عهده مکلف آمده) عرف می‌گوید چند دستور احتیاج به چند امتثال دارد، لذا ما باشیم و این مسئله و به حسب مقام ثبوت باید قائل به عدم تداخل شویم.

**نظر محقق همدانی:** البته محقق همدانی در این مقام معتقد به تداخل است و می‌گوید اساساً عرف چنین دیدگاه و حکمی ندارد. ایشان می‌فرماید از دید عرف وقتی یک عمل می‌تواند عناوین متعدد بر آن منطبق شود، باید مثلاً پاداش و ثواب بیشتری نصیب شخص شود، نفس انتظار پاداش و ثواب بیشتر برای کسی که یک عمل را با چند عنوان انجام می‌دهد کشف از این می‌کند که عرف اصل اینکه می‌توان چند تکلیف و دستور را با عمل واحد امتثال کرد، پذیرفته. عرف وقتی می‌گوید مثلاً این عمل را شما به چند قصد و نیت انجام می‌دهی پس باید ثواب بیشتری ببری و این کاشف از آن است که اصل امکان امتثال تکالیف متعدد به عمل و فعل واحد را قبول کرده است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> مصباح الفقیه (چاپ قدیم)، ص ۱۲۸.

بررسی کلام محقق همدانی: لکن به نظر می‌رسد این استناد ناتمام است. زیرا اینکه بگوییم عرف وقتی می‌بیند یک عمل با چند عنوان انجام می‌شود ثواب بیشتری انتظار دارد، اولاً عرف عام نیست بلکه عرفی است که در بین متشرعه وجود دارد و این خود معلول قول به تداخل است، یعنی اگر این در ذهن عرف شکل گرفته که مثلاً اگر فرض کنید غسل جمعه و زیارت و جنابت با هم انجام دهند ثواب بیشتری نصیب آنها می‌شود این خودش معلول التزام به تداخل است و الا اگر در عرف متشرعه از ابتدا فتوای فقها بر این بود که این کفایت نمی‌کند یا دلیل خاص نداشتیم چنین چیزی هم در ذهن عرف پدید نمی‌آمد.

لذا به نظر می‌رسد در بین این دو دیدگاه دلیل قائلین به عدم تداخل قابل پذیرش و قابل قبول است. بالاخره ما باشیم و چند تکلیف ولو متعلق تکلیف و آن دستوری که به ما داده‌اند یکسان باشد اما با توجه به ثبوت تکالیف و احکام متعدده عرف به ما حکم می‌کند که هر تکلیفی یک امتثال می‌خواهد. همانطوری که عرف در خود اسباب عدم تداخل را پذیرفت در مسببات نیز همینطور است. آنجا گفتیم عرف ظهور شرط در سببیت مستقله را مقدم و حاکم کرد بر اطلاق جزاء، نتیجه این شد که هر شرط و سببی مستقلاً تاثیر دارد. اگر قرار است هر سببی یک تاثیر مستقلاً داشته باشد از دید همین عرف اثر هر سببی هم غیر از اثر دیگری است، پس باید در فرض ثبوت تکالیف مستقل بگوییم هر تکلیفی امتثال مستقل می‌خواهد و این چیزی است که عرف از دو حکم و تکلیف به دست می‌آورد.

پس به حسب مقام ثبوت به نظر می‌رسد باید قائل به عدم تداخل شویم.

## ۲. به حسب مقام اثبات

اگر دلیلی داشته باشیم بر تداخل، طبیعتاً به آن ملتزم می‌شویم و ما عرض کردیم هیچ معنی از ورود دلیل بر تداخل وجود ندارد بر خلاف شیخ انصاری که اصل امکان ورود بر تداخل را منع کردند که پاسخ ایشان را دادیم.

لذا اگر دلیل بر تداخل در مسببات وجود داشت مثلاً در باب وضو دلیل داریم که اگر چند سبب برای وضو پدید آمد با اتیان به یک وضو همه احداثی که موجب وجوب وضو شده است با یک وضو قابل رفع است یا فرضاً در باب غسل دلیل داریم. در این موارد می‌توانیم قائل به تداخل شویم و قائل به تداخل می‌شویم.

اما در جاییکه دلیل بر تداخل نیست اینجا نیز ما باید عدم تداخل را اختیار کنیم، لذا در مقام امتثال اگر دو تکلیف داشتیم و مسبب آنها یک تفاوت فی الجمله داشتند یعنی صورت دوم و سوم و چهارم اینجا تا زمانی که ما به هر تکلیف عمل نکنیم و هر تکلیفی را امتثال نکنیم نمی‌توانیم یقین به برائت ذمه پیدا کنیم. چون با ثبوت هر تکلیفی یقین پیدا کردیم ذمه ما مشغول شده شرط اول استقلال در تاثیر و سببیت داشت لذا یک تکلیف را ثابت کرد، یقین به اشتغال ذمه به این تکلیف پیدا کردیم، شرط دوم مستقلاً یک تاثیری را ثابت کرد و تکلیفی را به عهده ما گذاشت لذا یقین به اشتغال ذمه به این تکلیف نیز پیدا شده، حال در صورتی می‌توانیم از این یقین خلاص شویم و یقین به برائت ذمه پیدا کنیم که به هر دو تکلیف عمل کنیم، دو امتثال داشته باشیم و این معنایش همان عدم تداخل است.

پس به حسب مقام اثبات اگر دلیل بر تداخل نداشته باشیم باید قائل به عدم تداخل مسببات شویم و بگوییم هر تکلیفی یک امتثال مستقل نیاز دارد.

اینکه عدم تداخل را مستند به اصل کردیم، نشان می‌دهد این مربوط به مقام اثبات است و این در این سه صورت اتفاق می‌افتد و در صورت اول گفتیم که قائل به عدم تداخل می‌شویم به خاطر اینکه یک مانع بزرگی داریم به عنوان اجتماع الحکمین المتماثلین علی موضوع واحد، لذا محذورش اصلا متفاوت است با این محذور.

### اشکال اول

اگر ما قائل به تداخل مسببات شدیم و گفتیم در صورت دوم و سوم و چهارم با یک فعل می‌توانیم امتثال را محقق کنیم مثلا در همین صورت چهارم که بیشتر خودش را نشان می‌دهد و بواسطه عبادت بودنش بیشتر مورد توجه است، اگر کسی فرضا قائل شده به اینکه نماز غفيله و نافله مغرب را می‌تواند به فعل واحد امتثال کند، از آنجا که اینها عبادت می‌باشند (هر دو یعنی هم نافله مغرب و نافله غفيله) و عبادات نیازمند قصد قربتند و قصد تمییز، الان این نمازی که می‌خواهد بخواند، این دو رکعت به چه قصدی بخواند؟ اگر شما قائل به تداخل شدید در عباداتی مثل صورت چهارم، آیا قصد نافله مغرب کند یا قصد نافله غفيله یا قصد هر دو؟ بالاخره عبادات به نوعی از عناوین قصدیه است، یعنی باید قصد مشخصا متعلق شود به آن عملی که می‌خواهد انجام بدهد. الان شما ببینید فرضا نماز ظهر و عصر هر دو چهار رکعت هستند و هر دو نیز واجب می‌باشند ولی آنچه که این دو نماز را از هم جدا می‌کند قصد نماز ظهر و قصد نماز عصر است، هیچ وقت نمی‌توانیم یک نماز چهار رکعتی بخوانیم هم قصد ظهر کنیم و هم قصد عصر، قصد هیچکدام هم که نمی‌شود و اساسا تمییز اینها با همین قصد است و تا این قصد نباشد اصلا معلوم نمی‌شود که این نماز ظهر بوده یا عصر. حال در صورت التزام به تداخل چگونه باید این دو نماز را انجام دهیم در قالب یک عمل و هر دو هم محقق شود و مکلف از ثواب و پاداش هر دو بهره ببرد؟ این مطلبی است که به عنوان سوال اینجا مطرح می‌شود که خلاصه آن این است که در عناوین قصدیه مثل عبادات اساسا باب تداخل مسدود می‌شود. حال این در خصوص این دو مثال است و در سایر موارد نیز شاید این مطرح شود.

### پاسخ

مکلف فعلی مثل غسل را که می‌خواهد انجام دهد، (یکی غسل جمعه است و یکی غسل جنابت است و یکی غسل زیارت) امکان اینکه اینها را با یکدیگر قصد کند وجود دارد یا خیر؟ اینجا مشکل و محذوری در کار نیست اساسا خود دلیلی که بر اکتفاء به امتثال واحد در این موارد دلالت می‌کند، کانه در واقع تمییز اینها را در مقام عمل لازم ندانسته، ولی در باب نماز ظهر و عصر به طور مشخص دلیل داریم بر اینکه نمی‌توانیم این عمل را با دو قصد بخوانیم و باید در قصد و نیت نماز ظهر از نماز عصر تمییز داده شود، و الا در غیر این مورد که دلیل داریم در سایر موارد هیچ محذور و مشکلی از این ناحیه وجود ندارد، مهم این است که عمل انجام شود. فرض این است که عمل انجام شود و دلیل بر تداخل نیز داریم و می‌توانیم چند تکلیف را در مقام امتثال با هم اتیان کنیم، این معنایش این است که لازم نیست برای این کار قصد تمییز داشته باشیم نه این معنایش این است که امکان قصدها و نیت‌های متفاوت نسبت به فعل واحد وجود دارد.

### اشکال دوم

اگر از محذور پیشین عبور کنیم و بگوییم می‌توان عمل واحد را با قصد همه آنها انجام داد، ولی آیا قصد همه عناوین لازم است یا قصد همه عناوین لازم نیست، مثلا کسی که می‌خواهد غسل کند باید حتما قصد غسل جمعه و قصد غسل زیارت و قصد غسل

جنابت را بکند یا نه، نیازی به قصد مستقل ندارد، اینجا همین مقدار که قصد می‌کند من این کار را انجام می‌دهم قربة الی الله کافی است و اگر به نیت یکی از این تکالیف امتثال کند خود به خود برای سایر تکالیف نیز واقع می‌شود؟  
پس سوال این است که آیا قصد همه عناوین در فرض تداخل مسببات در عبادات با وجود دلیل بر تداخل لازم است یا قصد همه عناوین لازم نیست؟

#### پاسخ

با توجه به اینکه مفروض بحث ما تداخل است یعنی می‌گوییم دلیل بر تداخل قائم شده است، معنای تداخل چیست؟ معنای تداخل این است که در مقام عمل ما می‌توانیم به ازای دستورات متعددی که نسبت به این عمل صادر شده یک امتثال داشته باشیم. یعنی هرچند تکالیف مستقل و متعدد هستند، اما وقتی می‌خواهد امتثال شود یک تکلیف به تنهایی کافی است، اگر ما این را قبول کردیم و قائل به تداخل شدیم دیگر دلیلی ندارد که بگوییم همه آن عناوین را باید قصد کند. بلکه اصل قصد قربت لازم است یعنی فرضاً اگر کسی عملی را انجام دهد ولی قصد قربت نداشته باشد، این عبادیتش زیر سؤال است و مخدوش می‌شود. اصل اینکه من این کار را به واسطه امتثال امر خداوند انجام می‌دهم باید قصد شود، قصد قربت و قصد تقرب و قصد امتثال امر الهی فی الجمله باید باشد، یعنی اگر کسی از او سؤال کند چرا این کار را انجام می‌دهی؟ بگوید چون خدا گفته است. این قصد باید باشد و الا عبادیتش از بین می‌رود اما اینکه مشخصاً باید قصد کند امر الزامی به جنابت را، امر استحبابی به جمعه را، امر استحبابی به زیارت را، یعنی متعلق امر نیز به دقت معلوم شود، این لازم نیست. اگر قائل به تداخل شدیم و این قصد کلی امتثال امر الهی موجود بود، برای اینکه عبادیتش حفظ شود قهراً التزام به عدم لزوم نیت و قصدهای مستقل مشکل و محذوری ندارد. وقتی گفته می‌شود این با یک فعل و عمل، آن تکالیف را امتثال می‌کند و فرض این است که عبادیتش به جای خود محفوظ است چه مشکلی دارد که یک به یک آنها را قصد هم نکند؟

پس از آنجا که این عمل قابلیت و صلاحیت امتثال همه تکالیف را دارد و از آنجا که قصد و نیت در آن موجود است و از جهت عبادیت مشکلی ندارد و از آنجا که دلیلی به خصوص نداریم مبنی بر لزوم قصد هر یک از این تکالیف مثل آنچه که در مورد نماز ظهر و عصر وجود دارد لذا اگر این شخص قصد همه این عناوین را کند کفایت می‌کند و این عمل به عنوان همه آنها واقع می‌شود. بالاخره اجمالاً این امور در آن مد نظر باشد.

حال اگر فرض کنید کسی روز جمعه غسل جنابت می‌کند و اساساً توجه ندارد به اینکه این تکلیف به جمعه نیز دارد، یا توجه ندارد که الان به زیارت می‌خواهد برود و تکلیف استحبابی نسبت زیارت هم دارد، آیا نسبت به این شخص می‌توانیم بگوییم این عمل به عنوان امتثال همه این تکالیف واقع شده است و ثواب و پاداش همه اینها را به او می‌دهند؟ کسی که از اصل تکلیف غافل است قهراً وجهی ندارد که بگوییم همه ثواب و پاداش به او داده می‌شود. بنابراین دقت شود اینکه می‌گوییم قصد همه آنها لازم نیست معنایش این نیست که حتی اگر بی تفاوت باشد و ملتفت هم نباشد و اساساً در ذهنش نباشد که برای جمعه و زیارت نیز غسل کند همینقدر که می‌گوید برای جنابت غسل می‌کند پاداش آن اغسال را نیز به او می‌دهند، این منظور نیست، بالاخره اگر بخواید پاداش و ثواب سایر اعمال را نیز ببرد اولاً باید اصل عبادیتش درست شود یعنی قصد تقرب داشته باشد و قصد تقرب او به این معنا باشد که بگوید من با این کارم هر آنچه که خدا دستور داده انجام دهم ولو قصد تک تک غسل جنابت و زیارت را هم نداشته باشد، اینجا بله نیازی

به آن قصدهای جداگانه و مستقل نیست و پاداش هم به او داده می‌شود ولی این معنایش این نیست که حتی اگر توجه هم نداشته باشد که این تکالیف هم بر عهده اوست، توجهی به روز جمعه و مسئله زیارت نداشته، باز هم بگوییم چون این یک غسل است و یک تکلیف برای همه این دستورات کفایت می‌کرده پس ثواب و پاداش همه اغسال به او داده می‌شود، خیر، اینطور نیست. هذا تمام الکلام فی الصورة الاولى.

### **بحث جلسه آینده**

صورت اول مربوط به جایی بود که شرط متعدد و جزاء واحد باشد. در صورت اول گفتیم در دو مقام بحث می‌کنیم، تداخل اسباب و تداخل مسببات. به تفصیل در مورد تداخل اسباب و تداخل مسببات سخن گفتیم.

حال بحث مربوط به صورت دوم است که عبارت است از اینکه شرط و جزاء واحد باشند لکن آن سببی که موجب وجوب وضو می‌شود کرارا تکرار شود، در «اذا بلت فتوضاً» چند شرط نداریم، فرضاً یک شرط است ولی آن سبب تکرار شود، اینجا چه؟ در اینجا نیز یک امتثال کافی است یا نه؟

«والحمد لله رب العالمین»